

## ***Perspectives on Russian and Turkish Mapping in Libya: From Competition to Cooperation***

*Seyyed Mahmoud Hosseini*

*Akbar Valizadeh*

*Hossein Fattahi*

### **ABSTRACT**

The transition from a unipolar system to a multipolar global system is causing more countries to engage in wars and proxy disputes between major powers and regional powers. Some countries will actively pursue the interests of the great powers by pursuing a foreign policy, and this will enable them to make the most of the competing interests of such countries in the game of power. Maintain their geopolitical independence. However, some other countries are involved in proxy wars due to economic and political weaknesses, and in these countries, the interests of the great power take precedence over the interests of such countries, and this causes instability and even war for it. Creates. One example of this today is Libya, which has now become a scene of conflict and proxy war between the great powers and the region. The main question of this research is what role did Russia and Turkey play in the context of the Libyan civil war and what are their benefits? The hypothesis of this article is that Turkey and Russia, as rivals on the Libyan front, are trying to reach an agreement and negotiate using the Syrian model to gain influence and a higher position in the future of this country. The study concluded that despite efforts to agree and implement the Syrian model, the Libyan issue has more complex dimensions due to the presence and influence of other countries such as Saudi Arabia, UAE, Egypt and European countries, and the agreement between Turkey and Russia, although Seems important; But it will not end with a solution to stabilize Libya. This article collects data in a descriptive manner and finally analyzes the complex situation of this country.

**KeyWords:** Russia, Turkey, Libya, Competition, Cooperation, Cooperation; Proxy War; Retaining Countries.

## چشم‌اندازی بر نقش آفرینی روسیه و ترکیه در لیبی؛ از رقابت تا همکاری

سید محمود حسینی<sup>۱</sup>

اکبر ولیزاده<sup>۲</sup>

حسین فتاحی اردکانی<sup>۳</sup>

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۰۵

تأیید مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳

### چکیده

گذار از یک سیستم تک‌قطبی به یک نظام جهانی چندقطبی باعث می‌شود که تعداد بیشتری از کشورها درگیر جنگ‌ها و منازعات نیابتی بین قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های منطقه‌ای گردند. برخی از کشورها با به‌کارگیری سیاست خارجی فعالانه در طول منافع قدرت‌های بزرگ حرکت خواهند کرد و این مسأله به آن‌ها امکان می‌دهد تا از منافع رقابت میان این قبیل کشورها در بازی قدرت، حداکثر استفاده را برده و استقلال ژئوپلیتیکی خود را حفظ کنند. با این حال، برخی دیگر از کشورها به دلیل ضعف‌های اقتصادی و سیاسی درگیر جنگ نیابتی شده و در این کشورها، منافع قدرت بزرگ بر منافع این قبیل کشورها تقدم می‌یابد و این مسأله بی‌ثباتی و حتی جنگ را برای آن‌ها به وجود می‌آورد. یکی از مصادیق امروزی این گزاره، کشور لیبی است که در حال حاضر به صحنه درگیری و جنگ نیابتی میان قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای بدل شده است. سؤال اصلی این پژوهش آن است که در محیط جنگ داخلی لیبی دو کشور روسیه و ترکیه چه نقشی بازی کرده و به دنبال چه منفعی هستند؟ فرضیه این مقاله آن است که دو کشور ترکیه و روسیه به‌مثابه دو طرف رقیب در جبهه لیبی، تلاش دارند تا با استفاده از مدل سوریه به توافق و مذاکره برای کسب نفوذ و جایگاه بالاتر در آینده این کشور دست یابند. در ادامه، پژوهش به این نتیجه می‌رسد که به‌رغم تلاش‌ها برای توافق و اجرای مدل سوریه، مسأله لیبی با توجه به حضور و نفوذ کشورهای دیگری چون عربستان سعودی، امارات، مصر و کشورهای اروپایی، ابعاد پیچیده‌تری داشته و توافق دو کشور ترکیه و روسیه اگرچه مهم به‌نظر می‌رسد؛ اما به نتیجه و راه‌حلی برای ایجاد ثبات در لیبی ختم نخواهد شد. این مقاله با روشی توصیفی به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته و در نهایت به تحلیل وضعیت پیچیده این کشور می‌پردازد.

### کلید واژه‌ها

روسیه؛ ترکیه؛ لیبی؛ رقابت؛ همکاری؛ جنگ نیابتی؛ کشورهای حائل.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Sm.hossini@ut.ac.ir

۲. استادیار، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Akbarvalizadeh@ut.ac.ir

۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران. H-fattahi@ardakan.ac.ir

## مقدمه

پس از سرنگونی حکومت ۴۲ ساله معمر قذافی در سال ۲۰۱۱، جدال قدرت بین نیروهای مختلف سیاسی و نظامی در لیبی آغاز شد. این درگیری منجر به جنگ داخلی شد که تا به امروز ادامه دارد و قدرت دوگانه‌ای را در کشور به وجود آورده است. در پایتخت لیبی - طرابلس - دولت وفاق ملی حکومت می‌کند و توسط نیروهای بین‌المللی، به‌ویژه سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته می‌شود. دولت قانونی طرابلس به رهبری فائز السراج، حمایت انقلابیون و گروه‌های محافظه‌کار را دارد؛ اما در شرق لیبی و در طبرق، رئیس ارتش ملی لیبی، خلیفه حفتر حکومت می‌کند که در آن وظایف رئیس مجلس توسط عقيله صالح انجام می‌شود و نخست وزیر دولت انتقالی عبدالله التینی است. حفتر که بخش مهمی از کشور از جمله چندین میدان بزرگ نفتی را کنترل می‌کند، چندین بار برای سرنگونی جبهه وفاق ملی به طرابلس حمله کرده است. با این وجود، یکی از مهم‌ترین موانع پایان جنگ داخلی لیبی، مداخله نیروهای بین‌المللی است. از این گذشته، توازن میان نیروهای دو طرف این مداخله، به احتمال زیاد باعث افزایش و طولانی‌تر شدن بحران نظامی - سیاسی در لیبی خواهد شد و راه‌حل سیاسی برای حل و فصل این مشکل را با بن‌بست روبرو کرده است.

در حالی که ترکیه و قطر از حکومت مشروع طرابلس پشتیبانی می‌کنند، کشورهایی مانند روسیه، مصر، امارات متحده عربی و عربستان سعودی، انواع حمایت از حکومت حفتر را در شرق لیبی انجام می‌دهند. در این میان کشورهای اروپایی موضع واحدی در مورد لیبی ندارد؛ در حالی که فرانسه از حفتر حمایت می‌کند، ایتالیا به‌رغم حفظ پل‌های ارتباطی با حفتر، پیشتر از حکومت فائز السراج حمایت کرده است. در واقع، پاریس و رم زمانی که به منافع کشورهای خود در آینده منابع انرژی لیبی نگاه می‌اندازند، با یکدیگر افتراق نظر دارند. سؤال اصلی این پژوهش آن است که در این محیط پیچیده، نقش آفرینی دو کشور ترکیه و روسیه چگونه است و دو کشور به دنبال چه منافع هستند؟ در واقع فرضیه این مقاله آن است که مقامات دو کشور ترکیه و روسیه به‌رغم پشتیبانی از جبهه رقیب در لیبی، تلاش دارند تا با به‌کارگیری مدل سوریه، در این کشور به توافق

۱. شکل‌گیری حکومت فائز السراج توسط سازمان ملل به واسطه ترس و هراس اروپاییان از ظهور داعش و موج مهاجرت‌ها به اروپا نشأت گرفته بود که مهمترین هدف آن ایجاد ثبات در لیبی بود. (Tekir, 2020: 196)

رسیده و از این راه به منافع خود بیش از پیش دست یابند. این مقاله تلاش دارد تا با روشی توصیفی و تحلیلی به ارزیابی بازیگری دو کشور ترکیه و روسیه در لیبی بپردازد. در گام نخست در قالب چارچوب نظری به ابزار و اهرم‌های قدرت‌های بزرگ برای مداخله در کشورهای حائل پرداخته می‌شود؛ در قسمت بعدی به بررسی نقش آفرینی و بازیگری دو کشور ترکیه و روسیه در لیبی نگاهی انداخته و در نهایت، به تحلیلی از وضعیت موجود خواهیم رسید.

### چارچوب نظری: رقابت قدرت‌های بزرگ در کشورهای حائل

انتقال مداوم و گذار به یک نظم جهانی چندقطبی باعث می‌شود که تعداد بیشتری از کشورها در منازعات نیابتی بین قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های منطقه‌ای قرار گیرند. منظور از قدرت‌های بزرگ کشورهایی نظیر ایالات متحده، چین، روسیه و اتحادیه اروپا است و منظور از قدرت‌های منطقه‌ای ترکیه، ایران، عربستان سعودی، هند، ژاپن و استرالیا است. در این میان، کشورهایی که در معرض مناقشات نیابتی قرار دارند، آسیب‌پذیر بوده و معمولاً به‌عنوان کشورهای حائل<sup>۱</sup> از آن‌ها یاد می‌شود که در بین قدرت‌های بزرگ و در مجاورت با آن‌ها قرار دارند (Hafeznia and el, 2013:7-10). در اروپا این کشورها به‌طور معمول، مرزی با روسیه دارند؛ اما در تلاشند تا در اتحادیه اروپا و ناتو ادغام شوند. در آسیا، این کشورها با چین مرز مشترک دارند؛ اما تلاش می‌کنند با حفظ یا حتی تقویت روابط نظامی با ایالات متحده، روابط اقتصادی با پکن را متعادل کنند. در این میان، قدرت‌های بزرگ از اهرم‌های مختلفی مانند تطمیع اقتصادی، کمک‌های نظامی، پوشش دیپلماتیک و پیوستگی فرهنگی برای مواجهه در این مناقشات نیابتی استفاده می‌کنند.

**الف) تطمیع اقتصادی:** ایالات متحده به‌طور سنتی از دسترسی به بازار، کمک‌های مستقیم، کمک‌های اقتصادی از طریق سازمان‌های چندجانبه مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای اعمال نفوذ بر کشورها در داخل و خارج از حوزه نفوذ خود استفاده می‌کند. با این حال، در اوایل دهه ۲۰۰۰، چین برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه به‌عنوان یک حامی اقتصادی جایگزین ظاهر شد. اکنون پکن فرصتی دارد تا از طریق ابتکار یک

#### 1. Buffer states

کمر بند و یک جاده<sup>۱</sup> و مؤسسات جدیدی مانند بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا<sup>۲</sup> و بانک جدید توسعه<sup>۳</sup>، دسترسی اقتصادی جهانی خود را گسترش دهد. این بدان معناست که کشورهایی که با غرب روبرو بوده‌اند یا تمایلی به پذیرفتن اصلاحات اقتصادی نئولیبرالی تحت نظارت صندوق بین‌المللی پول را ندارند، به‌جای مواجهه یا انزوای اقتصادی، یک ستون جایگزین برای حمایت مالی پیدا کنند. با این وجود، برخی از کارشناسان معتقدند اعتماد بیش از حد به چین خطرات خود را به همراه دارد که شامل گرفتار شدن کشورها در دام بدهی چین<sup>۴</sup> خواهد بود (Brautigam, 2019: 5-6).

به نوبه خود، روسیه به دنبال توسعه اتحادیه اقتصادی اوراسیا به‌عنوان ابزاری برای حفظ تسلط اقتصادی خود بوده، در حالی که اتحادیه اروپا هم‌چنان جایگزینی اصلی سیاسی - اقتصادی برای چندین کشور پیرامون اروپا قلمداد می‌شود.

**ب) کمک‌های نظامی:** ایالات متحده هنوز از طریق ناتو و معاهدات دفاعی دوجانبه و چندجانبه در سرتاسر جهان، بر ترتیبات امنیتی جهانی تسلط دارد. این امر مستلزم پایگاه نظامی، فروش اسلحه و آموزش پرسنل است. با این حال، احیای قدرت روسیه از دهه ۲۰۰۰، بدین معنا بوده است که مسکو توانسته است تا توانایی و ظرفیت اعمال قدرت در محیط خارج از مرزهای ملی خود را به‌دست آورد، چنان‌که از مداخلات نظامی این کشور در گرجستان (۲۰۰۸)، اوکراین (۲۰۱۴) و سوریه (۲۰۱۵) مشهود بوده است. روسیه نیز به کشورهای مختلف اسلحه صادر می‌کند و این امر در نفوذ این کشور در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین تأثیر می‌گذارد. علاوه‌بر این، با افتتاح اولین پایگاه نظامی چین در جیبوتی در سال ۲۰۱۶، به‌نظر می‌رسد پکن تلاش دارد تا در دهه‌های آینده به قدرت نظامی مهم جهان بدل شود. در طول نوزدهمین کنگره ملی حزب کمونیست در پکن، رئیس‌جمهور شی جینگ‌پین اظهار داشت که چین در ۳۰ درصد از رشد اقتصاد جهانی سهیم است و این مسأله را بیان کرد که نقشه راه سه دهه آینده چین، به‌سمت جایگاه قدرت بزرگ ترسیم شده و عنوان داشت که تا سال ۲۰۵۰ این کشور به یک رهبر جهانی در نوآوری، نفوذ و قدرت نظامی بدل خواهد شد (Bloomberg, 2017).

1. The Belt And Road Initiative (BRI)
2. The Asia Infrastructure Investment Bank (AIIB)
3. The New Development Bank
4. Chinese debt trap

بنابراین با این تفاسیر می‌توان گفت قدرت‌های بزرگ از ظرفیت‌های نظامی خود برای اعمال نفوذ در مناطق حائل و جنگ‌های نیابتی استفاده می‌کنند.

**ج) پوشش دیپلماتیک:** افزایش نفوذ جهانی چین و روسیه به معنای آن است که این دو کشور برای به‌دست‌آوردن نفوذ بیشتر، از پوشش دیپلماتیک برای متحدین خود در مجامع بین‌المللی مانند سازمان ملل بهره خواهند برد. در این میان، کشورهایی که از نظر مقامات غربی در معرض انتقاداتی از قبیل ضعف حقوق بشر، حکمرانی یا گسترش فساد بوده، با توسل به پکن و مسکو در معرض خطر انزوای کامل نخواهند بود. در نتیجه، امروزه مقامات دولت‌های غربی به دلیل ترس از دست‌دادن نفوذ و جلوگیری از قدرت‌یابی بیش از پیش روسیه و چین، نسبت به دیدگاه‌های خود در خصوص کشورهای مورد انتقاد با دیدی احتیاط‌گونه رفتار کرده‌اند.

**د) پیوستگی فرهنگی:** در حالی که سیستم حکومتی غربی برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه که مایل به تقلید از مدل غربی هستند، همچنان به‌عنوان یک آهنربا عمل می‌کند؛ اما امروزه موفقیت اقتصادی چین به‌عنوان الگویی الهام‌بخش برای کشورهایی تلقی می‌شود که از الگوی اقتصادی نولیبرال گریزانند.

رشد اقتصادی چین با وجود ناپایداری در الگوی رشد، هنوز هم برای بسیاری از دولت‌ها به‌ویژه دولت‌های کمتر دموکراتیک جذاب به‌نظر می‌رسد. در این راستا، چین به‌دنبال احیا و تثبیت جایگاه خود به‌عنوان رهبر دوفاکتو آسیا بوده است. از طرفی دیگر، روسیه به‌دنبال حفظ تسلط خود بر فضای پسا شوروی با الگوی روسی (جایی که هنوز روسی به‌طور گسترده تکلم می‌شود) و کشورهای مسیحی ارتدوکس مانند یونان، بلغارستان و صربستان بوده است. درحقیقت، روسیه در پی تقویت نسخه موردنظر خود در دموکراسی و اقتصاد بازار است که با ارزش‌ها و هنجارهای این کشور هم‌خوان است (ولی‌زاده و علی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۶۶-۱۶۵). در همین حال، گسترش جمعیت لاتین‌تبارها در ایالات متحده می‌تواند به روابط عمیق‌تر بین ایالات متحده و چندین کشور آمریکای لاتین منجر شود.

اما باید گفت این ابزارها در بعضی مواقع برای بی‌ثبات کردن کشورها استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال مقامات کرملین، ایالات متحده و اتحادیه اروپا را به حمایت از جنبش‌های مردمی متهم می‌کنند که باعث سرنگون‌شدن رهبران طرفدار روسیه در صربستان، گرجستان، اوکراین، قرقیزستان، لیبی و

مقدونیه شدند، درحالی که دولت‌های غربی کنش روسیه را در این کشورها، بی‌ثبات‌کننده و تقویت‌کننده گروه‌های راست‌افراطی در اروپا می‌دانند. هم‌چنین چین نگران است که دولت‌های غربی از جدایی‌طلبان در تبت و سین‌کیانگ و فعالان طرفدار دموکراسی در هنگ‌کنگ حمایت می‌کنند. امروزه کشورهایی که محل منازعه قدرت‌های بزرگ بوده ذاتاً ناپایدار هستند؛ به این معنی که حتی درگیری محدود میان دو قدرت خارجی، بی‌ثباتی را در این کشورها تشدید می‌کند.

در سال‌های اخیر، درگیری‌ها در شرق اوکراین، لیبی، سوریه و یمن همه با مداخله خارجی اعم از آشکار یا پنهان همراه بوده است. در این میان، برخی از کشورها به‌صورت ماهرانه در طول منافع قدرت‌های بزرگ حرکت کرده و توانسته‌اند از این فضای رقابتی به نفع خود بهره‌برداری کنند و از پادشاه‌های اقتصادی آن حداکثر استفاده را ببرند و استقلال ژئوپلیتیکی خود را حفظ کنند. نمونه این کشورها قزاقستان، ازبکستان و کره شمالی است. هر سه کشور محل منازعه و رقابت چین، روسیه و آمریکا هستند؛ اما از طرف دیگر کشورهایی نظیر لیبی نه‌تنها نتوانسته از فرصت رقابت میان قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای استفاده کند؛ بلکه جنگ نیابتی در این کشور به جنگ داخلی بدل شده تا جایی که ثبات سیاسی و تمامیت ارضی این کشور را نیز به چالش کشیده است. در این میان، مداخله خارجی در کشوری که درگیر جنگ داخلی شده زمانی اتفاق می‌افتد که یک قدرت منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای، منابع مالی، تجهیزاتی، سلاح و آموزش و نیرو را در این کشورها با اهداف خاص به‌کار برد. به تعبیر کارشناسان، جنگ داخلی مورد حمایت دو یا چند کشور خارجی، چهار برابر تداوم خصومت و تنش را در یک کشور بیشتر می‌کند. در این باره لاوسون<sup>۱</sup> اشاره می‌کند که تعداد قدرت‌های مداخله‌گر، متغیر اصلی در تعیین مدت زمان یک جنگ خارجی و نیابتی است. درحالی که مداخله دولت‌های منفرد و محدود منجر به حل سریع‌تر درگیری می‌شود، مداخلات چند دولت، باعث افزایش دامنه جنگ داخلی می‌شود؛ چراکه تعداد طرف‌های درگیر و به‌تبع آن منافع متعدد افزایش می‌یابد و در نتیجه دستیابی به راه‌حل دشوارتر خواهد بود که مورد قبول همه کشورها باشد (Tekir, 2020: 193).

---

1. Lawson

### نقش آفرینی ترکیه در لیبی

پیش از وقوع انقلاب فوریه ۲۰۱۱ در لیبی، منافع ترکیه روی تقویت مواضع اقتصادی این کشور در لیبی متمرکز شده بود. ترکیه در سال ۲۰۱۰، مبالغ زیادی را در صنعت ساخت‌وساز لیبی هزینه کرد و سرمایه‌گذاران ترکیه میلیاردها دلار وارد این بخش کردند. با صرف این هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها، ترکیه در حدود ۳۰۴ قرارداد تجاری با لیبی امضا کرد. با توجه به این منافع، ترکیه در ابتدا با مداخله نظامی ناتو علیه رژیم قذافی مخالفت کرد؛ اما خیلی زود موضعش را تغییر داد و از انقلاب لیبی حمایت کرد. در واقع، ترکیه پس از انقلاب در لیبی چند مرحله را پشت سر گذاشته است:

**مرحله اول:** تا سال ۲۰۱۴، ترکیه با حمایت از ثبات و ایجاد دولت مرکزی تلاش داشت تا به احیای روابط اقتصادی خود با این کشور کمک کند. هرج و مرج ناشی از سقوط قذافی و وضعیت اقتصادی این کشور در جنگ داخلی، به شدت به منافع ترکیه آسیب وارد کرد. ترکیه در حدود ۱۵ میلیارد دلار تعهدات قراردادی بدون پرداخت با لیبی دارد. با این حال تجزیه لیبی، مشکلات درگیری شبه‌نظامیان و جناح‌ها، افزایش مداخلات خارجی به‌ویژه پس از کودتای نظامی در مصر (تابستان ۲۰۱۳)، تبدیل لیبی به عرصه درگیری‌های منطقه‌ای و درنهایت اجرایی شدن عملیات نظامی حفتر در شرق لیبی که در اوایل سال ۲۰۱۴ آغاز شد، ترکیه را وادار به حمایت از یکی از این جناح‌ها در درگیری کرد.

**مرحله دوم:** ترکیه از توافق سیاسی لیبی امضا شده در صخیرات<sup>۱</sup> تحت حمایت سازمان ملل در دسامبر ۲۰۱۵ پشتیبانی کرد. با این حال، متحدین حفتر علیه دولت تا اعلام جنگ علیه وفاق ملی و طرابلس به مداخلات خود در این کشور ادامه دادند. از سوی دیگر دولت وفاق ملی قادر به پایان دادن به مسائل جناحی نبوده و باعث شد که کشورهای دیگر اروپایی نیز برای نفوذ در لیبی روی حفتر حساب باز کنند. نقش نظامی ترکیه به‌ویژه پس از حمله حفتر به پایتخت در آوریل ۲۰۱۹، افزایش یافت. رئیس‌جمهور ترکیه رجب طیب اردوغان به نخست وزیر لیبی، فائز السراج اطلاع داد که آنکارا برای مقابله با آنچه توطئه علیه مردم لیبی خوانده بود، آماده است تا انواع

1. Skhirat



کمک‌ها را به این دولت ارائه دهد. با این گفته پشتیبانی نظامی ترکیه از لیبی علنی و آشکار شد. در ۱۹ ژوئن ۲۰۱۹ اردوغان اعلام کرد که کشورش طبق توافق همکاری‌های نظامی، تسلیحات و تجهیزات نظامی را به وفاق ارائه می‌دهد<sup>۱</sup>. او اضافه کرد که این توافق به ترکیه اجازه می‌دهد که توازن قدرت را به نفع وفاق ملی در این کشور بازگرداند. این مسأله باعث شد تا ترکیه در مواجهه مستقیم با حفتر و متحدانش قرار گیرد. در واکنش به این اقدام سخنگوی نیروی حفتر، احمد المسماری<sup>۲</sup> حمایت نظامی از سراج را به‌عنوان تهاجم ترکیه یاد و تأکید کرد که برای مقابله با نیروی ترکیه، اهداف و منافع این کشور را هدف قرار خواهند داد. در طرف مقابل وزیر دفاع ترکیه حلوصی آکار<sup>۳</sup> نیروهای حفتر را تهدید کرد که در صورت مشاهده حمله به منافع و نیروهای ترکیه اقدام متقابل صورت خواهد گرفت.

**مرحله سوم:** در تاریخ ۲۷ نوامبر ۲۰۱۹، دولت ترکیه و وفاق ملی تفاهم‌نامه‌ای را برای تحدید حدود مناطق دریایی در دریای مدیترانه امضا کردند؛ چراکه دریای مدیترانه شرقی که به‌لحاظ زمین‌شناسی ذخایر عظیم نفت و گاز دارد، در طول تاریخ مورد مناقشه بازیگران منطقه‌ای بوده است. این مسأله نشان می‌دهد که هدف ترکیه فراتر از اوضاع لیبی بوده و تسلط بر مدیترانه را در دستور کار دارد. اردوغان و سراج هم‌چنین تفاهم‌نامه همکاری‌های امنیتی را نیز با یکدیگر امضا کردند که شامل آموزش نظامی و ضدتروریسم، همکاری برای مقابله با مهاجرت‌های غیرقانونی، حمایت‌های لجستیکی، طرح و برنامه‌ریزی نظامی و انتقال آموزش و تخصص می‌باشد. در پی این تفاهم‌نامه و به محض درخواست دولت طرابلس، اردوغان تأکید کرد که بنابه درخواست دولت مشروع لیبی و به‌دنبال تصویب پارلمان ترکیه، نیروهای خود را به لیبی اعزام می‌کند. با این حال بسیاری از کارشناسان این حوزه معتقدند که این اعزام نیرو به لیبی وضعیت سیاسی این کشور را پیچیده‌تر می‌کند و تلاش‌های نماینده سازمان ملل، غسان سلامه<sup>۴</sup> که سعی دارد تا جنگ داخلی لیبی را حل و فصل نماید، با بن‌بست روبرو خواهد کرد (www.dohainstitute.org).

۱. در واقع ماهیت این توافق همکاری نظامی با لیبی در آن زمان، مشخص و تعیین شده نبود.

2. Ahmed Al - Mesmari

3. Hulusi Akar

4. Ghassan Salame

اما جدا از مسائل امنیتی باید گفت چنین تفاهم‌نامه‌ای میان ترکیه و لیبی، تلاشی برای مقابله با مجمع‌گازی کشورهای مدیترانه شرقی<sup>۱</sup> است که کشورهای ترکیه، لبنان و سوریه را نادیده انگاشته بودند. این جنگ نیابتی در لیبی باید در چارچوب ژئوپلیتیک مدیترانه شرقی که با کشف گاز در این حوزه دوچندان شده، ارزیابی شود. براساس داده‌های مطالعات زمین‌شناسی ایالات متحده، این حوزه ۱۲۲ تریلیون فوت مکعب منابع قابل بازیافت گاز طبیعی دارد. مناقشه در تقسیم منابع گازی و هم‌چنین تسلط بر انتقال خطوط انتقال این منابع به بازارهای مصرف اروپایی، یکی از چالش‌های کشورهای درگیر در این بخش می‌باشد (Tekir, 2020: 205).

#### مدیترانه شرقی؛ به‌منابه مرکز انرژی چند دهه آینده

مجمع‌گازی کشورهای مدیترانه شرقی در ماه ژانویه ۲۰۱۹ با همکاری مصر، رژیم صهیونیستی، قبرس، یونان، ایتالیا، اردن و تشکیلات خودگردان فلسطینی، در جهت هماهنگ‌سازی سیاست‌های انرژی و ایجاد یک بازار گازی منطقه‌ای شکل گرفت و طرف‌ها توافق کردند تا با توسعه و برنامه‌ریزی، این منطقه را به هاب گازی صادرات به اروپا بدل کنند. در واقع، ایجاد چنین اتحادیه‌ای نشانگر منافع زیاد طرف‌ها برای دسترسی و تصاحب منابع هیدروکربنی مدیترانه شرقی بوده است. اکتشاف عظیم گاز در طول یک دهه گذشته در سواحل مصر، رژیم صهیونیستی و قبرس در مدیترانه شرقی که توسط سازمان زمین‌شناسی آمریکا بررسی شد، ذخایر حوزه مدیترانه را در حدود ۱۲۲ تا ۲۲۳ تریلیون فوت مکعب و هم‌چنین ۱/۷ میلیارد بشکه نفت تخمین زده است که گویای تبدیل شدن این منطقه به منبع عظیم گازی طی چند دهه آینده است.

توافق‌نامه ۲۷ نوامبر بین ترکیه و لیبی، محدوده دریای سرزمینی ۱۸/۶ مایل دریایی (۳۵ کیلومتر) را برای ترکیه در نظر گرفته که براین اساس، تعیین‌کننده فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی این کشور نیز خواهد بود. در پی این توافق، یونان مدعی است که چنین تفاهمی محدوده دریایی جزیره کرت این کشور را نادیده انگاشته است. هم‌چنین تصمیمات ترکیه پیشتر نیز تابع تقسیمات قبرس قرار داشت (Selcan & Kuzov, 2019). جدایی قبرس نتیجه حمله ترکیه به این کشور با ادعای تلاش یونان برای ضمیمه کردن قبرس در سال ۱۹۷۴ بود. پس از این سال قبرس به دو قسمت

1. The East Mediterranean Gas Forum

جنوبی - که مورد شناسایی جامعه بین‌المللی است - و شمالی - که مورد شناسایی ترکیه است - تقسیم شده است. پس از این تسلط، ترکیه کاوش‌های خود را برای کشف و استخراج منابع هیدروکربنی در آب‌های قبرس انجام داده است. برای ترکیه، احترام به حقوق دریایی جمهوری ترک قبرس شمالی<sup>۱</sup> ضروری است بنابراین، صدور مجوزهای یک‌جانبه برای استخراج منابع و تحدید حدود مناطق کشف منابع گاز در اطراف جزیره قبرس مورد اعتراض آنکارا قرار دارد. ترکیه توافق‌نامه‌ای را در این خصوص با جمهوری ترک قبرس شمالی در سال ۲۰۱۱ منعقد کرد. از طرف دیگر، دولت قبرس یونان<sup>۲</sup> توافق‌نامه‌های دوجانبه‌ای را با مصر، لبنان و رژیم صهیونیستی منعقد کرده است<sup>۳</sup> (Güzel, 2019: 6).

این اقدامات در واقع از نظر برخی از تحلیل‌گران صرف وابستگی به منابع گازی و نفتی نبوده؛ بلکه جزئی از یک طرح و دکترین بزرگ سیاست خارجی ترکیه است. آیهان آکتار<sup>۴</sup> یکی از تحلیل‌گران ترک معتقد است که این سیاست نتیجه پیگیری دکترین موطن آبی<sup>۵</sup> است که برآمده از گسترش حاکمیت و صلاحیت ترکیه در دریای اژه و مدیترانه است. براین اساس، ترکیه با دستور کار قرارداد این دکترین تلاش دارد تا بخش بزرگی از فلات قاره این منطقه را به سود خود و به ضرر همسایگان کنترل نماید (Shama, 2019).

### نقش آفرینی روسیه در لیبی

اصول کلی سیاست خارجی حال حاضر روسیه، منعکس‌کننده چشم‌انداز پریماکف از چندقطبی بودن سیاست جهانی است. این رویکرد بر ظهور مراکز قدرت جدید اشاره داشته که به کاهش قدرت بازیگران غربی نینجامد. در این میان روسیه تلاش می‌کند تا یکی از مراکز قدرت جدید باشد (Tekir, 2020: 198) بنابراین، یکی از جنبه‌های سیاست خاورمیانه‌ای روسیه ارتباط آن با

1. The Turkish Republic of Northern Cyprus
2. The Greek Cypriot Administration

۳. این اتحاد سه‌جانبه چندین جلسه را در خصوص پروژه مدیترانه شرقی برگزار کردند که برنامه‌ریزی کرده‌اند تا در سالیان آتی تا گاز را از طریق مصر، فلسطین اشغالی، قبرس و یونان به اروپا منتقل کند تا وابستگی اروپا به گاز صادراتی روسیه کاهش دهند (Cingoli, 2016: 4).

4. Ayhan Aktar
5. Blue Homeland Doctrine

کشورهای غربی است. در این راستا آنا بورشچسکایا<sup>۱</sup> استدلال می‌کند که بخش جدایی‌ناپذیر از سیاست‌های پوتین در خاورمیانه ضدآمریکایی است. روسیه علاوه بر تلاش برای ایجاد موازنه قدرت خود با ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه، به دنبال مهار افراط‌گرایی اسلامی، ایجاد پایگاه‌های نظامی، محافظت از متحدین، گسترش توانایی مسکو در زمینه انرژی، تسلیحات و سایر بخش‌های اقتصادی است (Blank, 2018: 31). ویژگی‌های سیاست روسیه در منطقه خاورمیانه (در زمان دوره پوتین) عمل‌گرایی، رویکرد غیرایدئولوژیکی و فرصت‌طلبی‌گزینشی است (کولایی و نوری، ۱۳۸۶: ۴۸).

با وقوع بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، سیاست خارجی روسیه نسبت به این پدیده متناقض به نظر می‌رسید. پرونده لیبی مصداقی از چنین واکنشی بود. روسیه در ابتدا، ضمن شرکت در تحریم‌ها علیه رژیم قذافی، با مداخله نظامی در این کشور مخالفت کرد و هشدار داد که یک مداخله خارجی می‌تواند به درگیری گسترده منجر شود، با این حال، روسیه به عنوان یک عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل، از حق وتو در قطعنامه ۱۹۷۳ استفاده نکرد (در ۱۷ مارس ۲۰۱۱) که طرح اعمال منطقه پرواز ممنوع و حفاظت از غیرنظامیان را وضع کرد. مسکو که در آن زمان تصمیم گرفت برای دوری از پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی، از بحران لیبی دوری کند (کولایی و زهرانی، ۱۳۹۵: ۱۲۴-۱۲۳). پس از آن دیپلمات روس استدلال کردند که قدرت‌های غربی از قطع‌نامه سرنگونی قذافی سوءاستفاده کرده‌اند (Tekir, 2020: 200).

چنین سیاست متناقضی در لیبی، روسیه را وادار به اتخاذ موضع سختگیرانه‌تری در حمایت از بشار اسد کرد. روسیه چندین بار با استفاده از حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد از صدور قطع‌نامه علیه حکومت بشار اسد ممانعت به عمل آورد. استپانووا<sup>۲</sup> استدلال می‌کند که اگر تقدم سیاست خارجی در لیبی وجود نداشت، روسیه رویکرد نرم‌تری در مورد اجرای تحریم‌ها علیه حکومت بشار اسد اتخاذ می‌کرد (Stepanova, 2018: 93).

مسکو از یک سو تلاش می‌کند تا به یک بازیگر تأثیرگذار در بازار انرژی در منطقه مدیترانه تبدیل شود و از سوی دیگر، به دنبال به دست آوردن منافع مختلف سیاسی است که بسترساز حضور و

1. Anna Borshchevskaya
2. Stepanova

نفوذ دائمی این کشور در لیبی است. علاوه بر این، سیاست‌های فعلی روسیه در آفریقا و تمایل آن به گسترش حضور خود در این قاره باعث شده است که لیبی با داشتن ساحل بسیار طولانی و بنادر مهم در دریای مدیترانه، به‌طور فزاینده‌ای برای سیاست خارجی روسیه مهم تلقی شود. جنگ داخلی بلندمدت در لیبی، محیط مناسبی برای تحقق اهداف یادشده روسیه ایجاد کرده است. مهم‌تر از آن، ترجیح ایالات متحده آمریکا از مداخله غیرمستقیم در مناقشه لیبی و استفاده از اهرم امارات و عربستان سعودی و همچنین عدم موفقیت اتحادیه اروپا در ایجاد موضع واحد، به مسکو اجازه می‌دهد تا آزادتر عمل کند.

در این میان، کشورهای غربی بر این باور هستند که مسکو نه تنها پشتیبانی سیاسی از حفتر ارائه می‌دهد؛ بلکه تسلیحات را نیز به شرق این کشور ارسال می‌کند و سعی در تغییر موازنه جنگ لیبی دارد. حفتر در دهه ۱۹۷۰ تحصیلات نظامی خود را در اتحاد جماهیر شوروی فراگرفت و زبان روسی را می‌داند از این رو غرب، رابطه محکم بین دو طرف را مدنظر قرار می‌دهد. در این راستا، به‌زعم کارشناسان، اگر روسیه به اهداف خود در مدیترانه شرقی برسد، «حلقه روسی» شکل خواهد کرد که ساختار امنیتی فعلی در منطقه و مهم‌تر از همه بخش انرژی را تغییر می‌دهد.

لیبی چه در دروه قذافی و بعد از آن، شریک مهم منطقه‌ای برای روسیه بوده است. پس از سال ۲۰۱۱، مهم‌ترین همکاری روسیه و لیبی در حوزه نظامی و فنی توسعه یافت. در این دوره، علاوه بر صادرات اسلحه و تجهیزات، مسکو در بخش‌های دیگر اقتصاد لیبی نیز سرمایه‌گذاری کرد. پروژه ۲/۵ میلیارد دلاری خط ریلی پرسرعت سرت - بنغازی، که راه‌آهن روسیه آن را به‌عهده گرفت، نمونه‌ای از این موارد است. با شروع بحران سیاسی در لیبی، این پروژه متوقف شد. براساس تخمین شرکت صادرات نظامی روسیه، صنعت دفاعی و نظامی این کشور به‌دلیل بحران لیبی، حدود ۴ میلیارد دلار متضرر شده است. تقریباً همین مقدار، بدهی لیبی به روسیه بوده که از زمان اتحاد جماهیر شوروی معوق مانده است (Akhiyadov, 2020).

علاوه بر این، در زمان قذافی، شرکت‌های مختلف نفتی و گازی روسیه از جمله گازپروم، لوک-اویل و تات‌نفت در بخش انرژی لیبی سرمایه‌گذاری کرده‌اند؛ اما پس از وقوع بحران سیاسی در کشور، همه این پروژه‌ها به‌حالت تعلیق درآمد بنابراین، امروز روسیه با نقش فعال در بحران لیبی، سعی در جبران خسارت‌های اقتصادی گذشته را دارد. در عین حال، پیوند حضور روسیه در لیبی

صرفاً با منافع اقتصادی، تقلیل‌نگرانه خواهد بود. به عبارت دیگر، نه منافع اقتصادی مسکو در دریای مدیترانه و نه نگرانی‌های امنیتی این کشور، نمی‌توانند جایگاه و اهمیت لیبی را در سیاست خارجی روسیه آشکار سازند. اول از همه، روسیه با ایفای نقش فعال در بحران‌های سیاسی و نظامی در خاورمیانه و دریای مدیترانه، به دنبال توسعه همکاری با کشورهای منطقه است. طی پنج سال گذشته، سیاست مسکو در منطقه به ویژه با آغاز مداخله در سوریه، کشورهای منطقه را مجاب کرده است که با این کشور مذاکره کنند. مسکو با نشان دادن یک رویکرد فعالانه در مورد مسأله لیبی، تلاش می‌کند تا یک تعامل جدی‌تر سیاسی و اقتصادی با کشورهای خلیج فارس و مصر برقرار کند بنابراین، با اتخاذ چنین سیاست‌هایی، روسیه امروزه به عنوان نیروی قابل توجه تلقی می‌شود که می‌تواند بر حکومت حفتر در لیبی، سوریه و حتی انصارالله یمن تأثیر بگذارد (کولایی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴۲-۱۳۸).

دوم، روسیه با افزایش فعالیت خود در مدیترانه از طریق لیبی می‌کوشد، موقعیت و جایگاه خود را در مقابل غرب تقویت کند. بسیاری از کارشناسان سیاسی خاطر نشان می‌کنند که روسیه به عنوان یک نیروی نوظهور که بحران لیبی را تحریک می‌کند، اساساً در تلاش است تا نشان دهد موفقیت‌های این کشور در اوکراین و سوریه اتفاقی نیست و در عین حال، روسیه قصد ندارد این سیاست را از دستورکار خارج کند. به عبارت دیگر، روسیه روشن می‌سازد که سیاست توسعه‌طلبی آن، که با الحاق کریمه در سال ۲۰۱۴ آغاز شد، با مداخله نظامی در سوریه در سال ۲۰۱۵ ادامه یافته است. در نهایت، روسیه سعی دارد نشان دهد به رغم تحریم سال ۲۰۱۴ که توسط ایالات متحده و اتحادیه اروپا بر این کشور اعمال شده، یک قدم در سیاست‌های منطقه‌ای جلوتر از غرب است (Ruhe, 2020). به تعبیری دیگر روسیه با این نقش آفرینی‌ها تلاش دارد تا به جهان غرب ثابت کند که هنوز این کشور یک قدرت بزرگ جهانی است. با افزایش روزافزون نفوذ روسیه در دریای مدیترانه، اتحادیه اروپا که تلاش می‌کند سریعاً بحران لیبی را که منجر به هجوم پناهندگان از شمال آفریقا شده است حل کند، به نوعی مجبور به مذاکره با مسکو است. با این حال، ادامه‌دار بودن و طولانی شدن بحران لیبی به منافع روسیه آسیب جدی نمی‌رساند و در مقابل، مسکو از فروش اسلحه به این کشور سود می‌برد. البته این سلاح‌ها توسط شرکت‌های روسی به طور مستقیم عرضه

نمی‌شوند. براساس اطلاعات به‌دست‌آمده میدانی، این سلاح‌ها از طریق شرکت‌های واسطه‌ای در کشورهای نظیر بلاروس به لیبی ارسال می‌شود (Akhiyadov, 2020).

### دیپلماسی موازی روسیه و عملیات نظامی در لیبی

به‌دنبال مداخله روسیه در بحران سوریه و حمایت از دولت بشار اسد، تغییراتی در سیاست خارجی روسیه رخ داده است. مسکو در مواجهه با تعداد زیادی از بازیگران غیردولتی در جبهه نبرد و تلاش برای افزایش حضور و نفوذ در سوریه، شروع به اجرای «دیپلماسی موازی» کرده است. یک رویداد مهم دیگر، رقابتی بود که بلافاصله پس از آغاز مداخله در سوریه، بین وزارت امور خارجه و دفاع روسیه به‌وجود آمد. اگرچه رسماً هر دو وزارتخانه با هم همکاری نزدیک دارند؛ اما درحقیقت نظامیان و نیروهای اطلاعاتی در تلاشند تا اقدام دیپلمات‌ها در سوریه را به حاشیه ببرند. وزارت دفاع روسیه که نقشی فعال در سیاست خارجی این کشور طی چند سال گذشته در منطقه غرب آسیا داشته، از طولانی‌تر شدن بحران‌های سوریه و لیبی سود می‌برد. در واقع، مسکو که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در این جنگ‌ها شرکت می‌کند، باید هزینه‌های نظامی خود را افزایش دهد و این بیشتر از همه به نفع وزارت دفاع است.

براساس رویکرد دیپلماسی موازی، پس از سال ۲۰۱۵، بازیگر جدید دیگری در سیاست روسیه در خاورمیانه ظاهر شده است. از آن زمان، دولت پوتین شروع به استفاده فعال از گروه‌های مختلف مسلمان ساکن در فدراسیون روسیه از طریق اعزام آن‌ها به کشورهای خاورمیانه به‌ویژه سوریه، لیبی و امارات کرده است. در این میان، بدون تردید در رأس دیپلماسی موازی جدید مسکو، رمضان قادراف<sup>۱</sup> قرار دارد. درحال حاضر، در میان رؤسای جمهوری‌های روسیه، قادراف تنها رهبری است که رسماً به‌عنوان نماینده روسیه در خاورمیانه عمل می‌کند. هم‌چنین، رئیس گروه تماس برای حل و فصل درگیری داخلی لیبی<sup>۲</sup> - لودنکف<sup>۳</sup> - به‌عنوان فردی نزدیک به قادراف شناخته می‌شود. در این زمینه، مسکو به‌طور مؤثری از قدرت و جایگاه قادراف در سیاست‌های خود در خاورمیانه استفاده می‌کند. به‌عنوان مثال، در سپتامبر سال ۲۰۱۷، درحالی که وزارت امور خارجه و وزارت

- 
1. Ramzan Kadyrov
  2. The Libyan settlement contact group
  3. Lev Dengov

دفاع روسیه در مسکو با سخنگوی ارتش لیبی احمد المسماری<sup>۱</sup> در مسکو در حال گفت‌وگو بودند، در چچن، قادراف با نماینده حکومت وفاق ملی، احمد معیتیق<sup>۲</sup> مذاکره می‌کرد.

این دیپلماسی موازی که روسیه در سیاست خارجی خود به کار می‌برد، هم‌چنین نشانگر ساختار داخلی دولت پوتین است. دولت پوتین ساختار سخت و اقتدارگرا دارد و بر این اساس، توازن ایجادشده بین منافع گروه‌های نخبگانی مختلف در رهبری این کشور ضروری است. از این نظر و در سیاست خاورمیانه‌ای مسکو، پوتین در حال ایجاد رقابت بین وزارت امور خارجه و دفاع است. از این طریق، پوتین از تقویت هر یک از این نهادها و اشخاص جلوگیری می‌کند و خود را به‌عنوان تصمیم‌گیر نهایی معرفی می‌سازد (Akhiyadov, 2020).

وقتی سیاست مسکو در لیبی در نظر گرفته می‌شود، اصل دیگری که از دیپلماسی موازی برمی‌آید، فعالیت با گروه‌های شبه‌نظامی است. از سال ۲۰۱۸، رسانه‌های بین‌المللی درباره حضور نیروهای روسی در لیبی صحبت می‌کنند. با این وجود، هیچ اطلاعات رسمی در مورد عملیات نظامی روسیه در لیبی وجود ندارد. تحقیقات نشان می‌دهد که فعالیت نیروهای شبه‌نظامی روسیه در این کشور متعلق به شرکت نظامی خصوصی واگنر (گروه واگنر)<sup>۳</sup> است. پایگاه هوایی الجفره به‌عنوان یک منطقه مهم فعالیت این گروه محسوب می‌شود. یوگنی پریگوزین<sup>۴</sup>، تاجر معروف نزدیک به پوتین، با گروه واگنر پیوند خورده است. حتی اگر مسکو هرگونه ارتباط با گروه واگنر را انکار کند، ارتباطات بین اعضای این سازمان و مقامات روسی که در سال ۲۰۱۹ از طریق رسانه‌های مخالف روسیه افشا شد، این ادعاها را تأیید می‌کند. علاوه بر این، براساس داده‌های این رسانه‌ها مشخص می‌شود که اعضای گروه واگنر گزارش‌های مربوط به وقایع لیبی را در فواصل معین به وزارت دفاع روسیه می‌فرستند. با این حال، براساس گزارش سازمان ملل در ۶ ماه مه ۲۰۲۰، گروه واگنر حدود ۸۰۰ الی ۱۲۰۰ نیروی نظامی در لیبی دارد. علاوه بر حفتر، گروه واگنر با سیف‌الاسلام قذافی، پسر معمر قذافی ارتباط برقرار کرده است. گزارشی نشان می‌دهد که یک کانال تلویزیونی خصوصی که در مصر پخش می‌شود برای حمایت از سیف‌الاسلام توسط واگنر تأمین مالی

- 
1. Ahmed al-Mismari
  2. Ahmed Maiteeq
  3. The Wagner private military company (Wagner Group)
  4. Yevgeny Prigozhin



می‌شود. براساس گزارش‌ها سیفالاسلام رقیب حفتر در لیبی است (Tekir,2020: 2020-203). جدا از این، ارتش روسیه عملیات‌های مختلفی را در لیبی انجام می‌دهد، البته چنین عملیات‌هایی در مقیاس محدود بوده است. این عملیات توسط فرمانده نیروهای هوایی روسیه/آندری خلزاکوف<sup>۱</sup> انجام می‌شود. مقر نیروی نظامی روسیه تحت فرماندهی خلزاکوف در بندر بنغازی واقع شده است (Akhiyadov,2020).

### تلاش برای به‌کارگیری مدل توافق سوریه در لیبی

درگیری در لیبی تلفات انسانی و اقتصادی و بی‌ثباتی عظیمی را در سراسر شمال آفریقا و دریای مدیترانه ایجاد کرده و به یک مرکز کانونی برای رقابت ژئواستراتژیک تبدیل شده است. این واقعیت که ترکیه و روسیه از بازیگران رقیب در جبهه لیبی حمایت می‌کنند، یکی از موانع اصلی ایجاد آتش‌بس و ثبات در این کشور است.

روسیه خود را به‌عنوان یک بازیکن انعطاف‌پذیر در لیبی معرفی کرده است. در ژانویه ۲۰۲۰، اردوغان و پوتین بیانیه آتش‌بس صادر کردند که همه طرف‌ها را به توقف درگیری‌های نظامی و جست‌وجوی راه‌حل سیاسی فرا خواندند. این فرایند برای ایجاد آتش‌بس در لیبی را می‌توان تکرار ترتیبات این دو کشور در جنگ داخلی سوریه دانست. از طرف دیگر، برخی از کارشناسان معتقدند روسیه با به‌دست آوردن توافقاتی تسلیحاتی و ساخت‌وساز سودآور، که احتمالاً توسط جبهه وفاق ملی ارائه می‌شود، می‌تواند با ترکیه هم‌پیمان شود. نفوذ ترکیه بر فائز السراج به روسیه کمک خواهد کرد تا این امتیازات را به‌دست آورده و بخشی از ضررهای این کشور را در لیبی پس از سقوط قذافی جبران نماید (Tekir,2020: 208-209). اگرچه روسیه به‌طور عمده پشتیبانی خود را از حفتر ابراز کرده است؛ اما روسیه با گروه‌های دیگر در لیبی ارتباط برقرار کرده است. واکنش ابرازی برای تأمین و تجهیز نیروهای حفتر است که به روسیه اجازه می‌دهد از ارتباط رسمی با حفتر فاصله بگیرد.

به‌رغم حمایتی که روسیه از طریق گروه واکنش به نیروهای حفتر داده است، موفقیت‌های دولت طرابلس که مورد حمایت ترکیه است، این مسأله را در ذهن مقامات روس ایجاد کرده که آیا

1. Andrei Kholzakov

شرط‌بندی و حمایت از حفتر ممکن است آن‌ها را در وضعیت بغرنجی قرار دهد یا خیر. روسیه ممکن است بخواهد تعادل بین سراج و حفتر را حفظ کند و بازنده بازی نشود؛ هم‌چنین ممکن است تمایل داشته باشد که در مذاکرات احتمالی صلح آینده، موقعیت قوی‌تری را داشته باشد. براین اساس، مسکو به این نتیجه رسیده است که با ترکیه همکاری کرده تا بتواند به یک میانجی بدل شود و از مزایای این نقش استفاده کند. از طرف دیگر، تلاش ترکیه برای اجرای توافق تحدید حدود مناطق دریایی به متحدی نیاز دارد که سواحل شرقی لیبی را کنترل کند. در این راستا اگر لیبی به دو بخش تقسیم شود و کنترل سواحل شرقی آن به دست حکومتی باشد که با ترکیه دوست نیست، آن دولت ممکن است از اجرای این توافق‌نامه امتناع ورزد. بر این اساس مقامات ترکیه به این نتیجه رسیده‌اند که این امر بدون پشتیبانی کشوری مانند روسیه، امکان‌پذیر نیست (Yakis, 2020).

با این اوصاف، برای دو کشور تکرار الگوی توافق سوریه در لیبی قابل اعمال است. این مسأله، شامل مشخص کردن مناطق نفوذ و توافق برای همکاری جهت حل مسالمت‌آمیز منازعه و درگیری‌ها با در نظر گرفتن علایق، منافع و خواسته‌های طرفین است. براساس گزارش منابع غیررسمی، مذاکرات ترکیه و روسیه درباره تحقق منافع دو کشور به این شکل است که ترکیه، روسیه را از حضور نظامی در این کشور منصرف کرده و از طرفی، تقسیم مدیریت بخش نفت و گاز لیبی به این شکل است که آنکارا مدیریت و راه‌اندازی چاه‌های نفت الشراره و الفیل در جنوب لیبی و مسکو مدیریت و راه‌اندازی چاه‌های هلال نفتی را به دست گیرند. در مقابل روسیه قبول کرده تا پایگاه نظامی در لیبی ایجاد نکند؛ زیرا چنین اقدامی هرگز از سوی آمریکا و اروپا قابل قبول نخواهد بود (www.isna.ir).

اکنون حضور روسیه از طریق پایگاه هوایی حمیمیم و ایستگاه دریایی طرطوس در سوریه دائمی است، در حالی که ترکیه در تلاش است با دستیابی به حقوق مشابه در پایگاه هوایی الوطیه و بندر مصراته لیبی، همان استراتژی را تکرار کند (Ruhe, 2020). برای روسیه همکاری نزدیک با ترکیه تضمین‌کننده این است که ایالات متحده بیش از حد درگیر مسأله لیبی نشود. هر دو کشور به قدری به یکدیگر وابسته بوده که انگیزه‌های زیادی برای کنار آمدن و سازش با یکدیگر دارند. البته، موانع محلی و درگیری‌های جزئی میان طرفین در لیبی اجتناب‌ناپذیر است. با این حال روسیه و ترکیه قبلاً

در سوریه نشان داده‌اند که حتی اگر دو طرف جبهه علیه یکدیگر فعال هستند، می‌توانند با یکدیگر توافق کنند (Kirill, 2020).

### بیانیه مشترک روسیه و ترکیه در لیبی

همان‌طور که عنوان شد، سیاست لیبی آنکارا، بخشی از سه سیاست به‌هم‌پیوسته این کشور است. در ابتدا هدف ترکیه، محافظت از منافع مالی، انرژی، نظامی و ژئوپلیتیکی در لیبی است و هدف بعدی، برآمده از بازی قدرت ترکیه با نیروهای عربی چون امارات، مصر و عربستان سعودی است. از این منظر، سیاست آنکارا تلاش مداوم برای نفوذ در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا بوده است. در نهایت هدف سوم، بخشی از سیاست‌های جاه‌طلبانه ترکیه در مدیترانه شرقی است؛ جایی که ترکیه را در قبال جبهه متحدی از کشورهای چون یونان، قبرس، مصر، فرانسه و رژیم صهیونیستی قرار داده است. ترکیه منافع مهمی را در نظر دارد که تا حد زیادی به بقای دولت سراج بستگی دارد. آنکارا قبلاً قرارداد تحدید حدود دریایی با لیبی را امضا کرده که دست ترکیه را در مدیترانه شرقی در برابر رقبای دیگر یادشده، تقویت می‌کند. گرچه روسیه و ترکیه از دو طرف متخاصم درگیری حمایت می‌کنند؛ اما این دو کشور به‌نوعی سعی دارند تا با پیاده‌کردن مدل توافق در جنگ سوریه، برای گسترش نفوذ و به نوعی پایان‌دادن به درگیری‌ها در شمال آفریقا، کانال‌های ارتباطی خود را با یکدیگر هم‌چنان حفظ کنند. براین اساس، ترکیه و روسیه موافقت خود را برای ایجاد کارگروه مشترک در مورد لیبی اعلام کرده‌اند. این دو کشور در تاریخ ۲۲ ژوئیه پس از رایزنی‌های سطح بالای کارشناسی که در پایتخت ترکیه به رهبری معاون وزیر خارجه روسیه، سرگئی ورشینین و سادات اونال معاون وزیر امور خارجه ترکیه انجام شده بود، بیانیه مشترکی صادر کردند. براساس بیانیه مشترک، ترکیه و روسیه در مورد چهار موضوع به توافق رسیده‌اند:

اول، ادامه تلاش‌های مشترک از جمله تشویق طرف‌های درگیر با هدف ایجاد شرایطی برای آتش‌بس پایدار و بلندمدت بوده است. موضوع دیگری که آن‌ها توافق کردند، تسهیل در پیش‌برد گفت‌وگوهای سیاسی درون لیبیایی، متناسب با اهداف کنفرانس برلین و با هماهنگی سازمان ملل بوده است. آن‌ها هم‌چنین موافقت کردند که از طرفین بخواهند برای اطمینان از دسترسی ایمن اقلام بشردوستانه و ارائه کمک‌های اضطراری، اقدامات لازم را انجام دهند.

علاوه بر آن، مقامات دو کشور با ایجاد یک کارگروه مشترک در مورد لیبی و تشکیل جلسه بعدی کارشناسی در مسکو در آینده نزدیک موافقت کردند. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این توافق، اعلام این مسأله بود که دو طرف برای ایجاد یک کارگروه مشترک در مورد لیبی با برنامه ریزی برای برگزاری دور بعدی مذاکرات در مسکو تلاش کنند. این امر یادآور فرآیند آستانه است که توسط ترکیه و روسیه، به منظور کاهش سطح تنش در سوریه ایجاد شده بود.

در بیانیه مشترک یادآوری می‌شود که رجب طیب اردوغان و ولادیمیر پوتین ابتکار عمل را در ۸ ژانویه در استانبول برای کاهش تنش‌ها در لیبی آغاز کرده تا تلاش‌ها برای دستیابی به یک راه-حل سیاسی تقویت شود. آن‌ها مجدداً بر تعهد جدی خود در مورد حاکمیت، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی لیبی و همچنین اهداف و اصول منشور سازمان ملل تأکید داشته و از نظر این بیانیه، هیچ راه‌حل نظامی برای لیبی وجود ندارد و مشکل لیبی فقط با یک روند سیاسی درون لیبیایی، قابل حل است. علاوه بر آن، مقامات دو کشور ضمن تأکید مجدد بر عزم خود برای ادامه تعامل دوجانبه به منظور دستیابی به امنیت و ثبات در کشور و بهبود اوضاع بشردوستانه، بر لزوم مبارزه با افراد و گروه‌های تروریستی مطابق دستورالعمل‌های شورای امنیت ایالات متحده تأکید کردند ([www.hurriyetdailynews.com](http://www.hurriyetdailynews.com)).

#### زمینه‌ها و بسترهای همکاری میان روسیه و ترکیه در لیبی

امروزه مقامات مسکو که در جریان جنگ لیبی قرار دارد، اطمینان ندارند که چه کسی پیروز این بازی خواهد شد. بر این اساس نه تنها به حکومت حفتر کمک می‌نمایند؛ بلکه در عین حال ارتباط خود را با رقبای دیگر حفظ می‌کنند. از طرف دیگر، به زعم برخی از کارشناسان، سیاست اردوغان در لیبی هیچ چشم‌اندازی ندارد و چنین سیاستی ممکن است خطر اشتباه محاسباتی را در پی داشته باشد که منجر به درگیری نظامی گسترده با مصر شود. از طرف دیگر، استدلال عمومی تر این است که عقب‌نشینی ایالات متحده و اختلاف اروپا در لیبی به نفع ترکیه عمل کرده است و این مسأله بستری برای گسترش نفوذ بیش از پیش آنکارا در لیبی بوده است (Pierini, 2020). ادامه درگیری و بی‌ثباتی در لیبی به نفع ترکیه نخواهد بود. ترکیه در طول دوره قذافی، در بخش تجاری با لیبی فعال بوده و بخش ساخت‌وساز برای سرمایه‌گذاری‌های آنکارا مهم تلقی می‌شود. لیبی اولین کشور خارجی بود که اتحادیه پیمانکاری ترکیه، در سال ۱۹۷۲ در این کشور سرمایه‌گذاری کرد. از آن

زمان تا سال ۲۰۲۰، شرکت‌های بزرگ ساختمانی ترکیه در پروژه‌هایی به ارزش ۲۹ میلیارد دلار در لیبی مشغول به فعالیت شده‌اند و این کشور را به‌عنوان سومین کشور در سرمایه‌گذاری‌های ساختمانی ترکیه پس از روسیه و ترکمنستان بدل کرده‌اند (Mammadov, 2020). هم‌چنین دو کشور ترکیه و روسیه، کشور نفت‌خیز لیبی را از نظر استراتژیک برای تأثیرگذاری بیشتر و نفوذ مهم می‌دانند. با این حال، آنکارا نمی‌خواهد با روسیه درگیر جنگی نیابتی شود. علاوه بر آن مقامات روس، ترکیه را دروازه ورود به اروپا و جهان و یک کشور ترانزیتی مهم می‌دانند. براین اساس مقامات دو کشور ترکیه و روسیه با توجه به منافع مشترکی که در لیبی دارند، به این نتیجه رسیده‌اند که با یکدیگر به توافق برسند. عوامل زیر از جمله منافع مشترک دو طرف می‌باشد:

#### همکاری راهبردی برای گسترش حوزه نفوذ

تعامل اقتصادی روسیه در لیبی عمدتاً در بخش انرژی بوده است. شرکت‌های روسی مانند گازپروم، لوک‌اویل و تات‌نفت، قبل از مرگ قذافی در این کشور فعال بوده‌اند. تات‌نفت و گازپروم در دهه ۲۰۰۰ میلادی معاملات اکتشافی و توسعه‌ای را با این کشور امضا کردند. در دوره پس از قذافی، شرکت‌های روسی سعی کرده‌اند تا به لیبی بازگردند. در سال ۲۰۱۷، شرکت نفتی روس نفت براساس مدل پیش‌پرداخت بلندمدت مشابه معاملات انجام‌شده در ونزوئلا و کردستان عراق، قرارداد خرید نفت از شرکت ملی نفت لیبی را امضا کرد. مسکو هم‌چنین به دنبال راه‌هایی برای جبران خسارات ناشی از سرنگونی قذافی است. روسیه انتظار دارد ۱۵۰ میلیون دلار از پروژه‌های ساختمانی، ۳ میلیارد دلار از ساخت راه‌آهن، ۴ میلیارد دلار از فروش اسلحه و ۳/۵ میلیارد دلار از معاملات انرژی در لیبی دریافت کند. به‌عنوان مثال، در ماه دسامبر مقامات شرکت تات‌نفت اعلام کردند که فعالیت‌های اکتشافی را در حوضه حمادا از سر می‌گیرد. در حال حاضر این حوضه نفتی، تحت کنترل کامل دولت وفاق ملی مورد حمایت ترکیه قرار دارد. جدا از آن، مسکو در تلاش است تا نفوذ خود را در جنوب اروپا که مشتری قابل توجهی برای صادرات نفت شمال آفریقا محسوب می‌شود، گسترش دهد. در این میان، مشارکت فعال آنکارا در آب‌های سرزمینی لیبی می‌تواند در پیش‌برد برنامه‌های مسکو برای تقویت مواضع خود در حوضه مدیترانه کمک‌کننده باشد (Mammadov, 2020).

### شکل‌گیری جبهه واحد در قبال اروپا

مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه با توجه به اوضاع لیبی، اردوغان را به تشدید درگیری در این کشور متهم می‌کند و ترکیه را به‌خاطر به‌خطر انداختن امنیت اروپا با اعزام گروه تروریستی به لیبی سرزنش می‌کند. هم‌چنین جاه‌طلبی آنکارا در دریای مدیترانه شرقی با انتقاد شدید پاریس روبرو شده است؛ به‌طوری‌که رئیس‌جمهور فرانسه از اعضای اتحادیه اروپا خواسته است تا ترکیه را به‌واسطه نادیده‌انگاشتن حدود دریایی یونان و قبرس تحریم کنند. جدا از این مسأله، همکاری روسیه و ترکیه، ضربه‌ای اساسی به قدرت‌های اروپایی درگیر در لیبی چون ایتالیا و فرانسه وارد خواهد کرد که نتوانسته‌اند بحران این کشور را حل‌وفصل نمایند. علاوه بر آن، برای اردوغان پیوند با روسیه برای دستیابی به صلح در لیبی سود بزرگ دیگری دارد؛ همکاری مسکو در این ابتکار عمل، نشانه‌ای از تصدیق و شناسایی توافق تحدید حدود دریایی ترکیه با لیبی است. از طرف دیگر بازیگری فعال و حضور نیروهای مسلح روسیه در شمال آفریقا باعث می‌شود روسیه قدرت و نفوذ بیشتری بر اتحادیه اروپا داشته باشد (Kujawa, 2021: 202).

### تقابل ایدئولوژیکی با محور عربی

یکی دیگر از جنبه‌های همکاری ترکیه و لیبی، ایدئولوژیکی است. حکومت السراج با اخوان‌المسلمین که توسط ترکیه پشتیبانی می‌شود، پیوند خورده است. ترکیه از حزب عدالت و سازندگی لیبی نامی - الهام‌گرفته از حزب حاکم عدالت و توسعه ترکیه - پشتیبانی کرده است. این ممکن است عامل مهمی در تقابل مصر و سایر کشورهای عربی با دخالت ترکیه در لیبی باشد. روسیه هم‌چنین مخالف رویکرد اسلام‌گرای کشورهای نظیر مصر و عربستان سعودی است که از جنبش تجزیه‌طلب چچن نیز حمایت می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

در نظام بین‌الملل، گذار به یک نظم جهانی چندقطبی سبب می‌شود که تعداد بیشتری از کشورها در منازعات نیابتی بین قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های منطقه‌ای قرار گیرند. در این میان، کشورهای که در معرض مناقشات نیابتی قرار دارند، آسیب‌پذیر بوده و معمولاً به‌عنوان کشورهای حائل از آنها یاد می‌شود. امروزه لیبی به‌مثابه مصداق بارزی از کشورهای حائل محسوب شده که

درگیر جنگ نیابتی میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده است. از یک طرف کشورهای اروپایی، امارات، عربستان سعودی و مصر و از طرف دیگر ترکیه و قطر در این کشور با حمایت از گروه‌های رقیب و مخالف، بر ابعاد تنش و درگیری می‌افزایند. بر این اساس، اوضاع سیاسی و امنیتی در لیبی بی‌ثبات و پیچیده شده و با توجه به حضور گسترده کشورهای منطقه و فرامنطقه در لیبی، نمی‌توان پیش‌بینی احتمالی برای آینده این کشور ارائه داد. اگرچه به نظر می‌رسد که منافع ترکیه و روسیه به سمت آتش‌بس هم‌گرا شده است؛ اما مصر، امارات و عربستان سعودی، حمایت از حقت‌ر و روایت خود از جنگ علیه اسلام‌گرایان را ضروری می‌دانند. در واقع یکی دیگر از ابعاد این بازی به بلوک مخالف اخوان در منطقه و به‌ویژه دو کشور امارات و مصر ارتباط پیدا می‌کند. قدرت‌یابی یک دولت اخوانی در همسایگی مصر سبب نگرانی قاهره است. هم‌چنین امارات و عربستان سعودی هم از شکل‌گیری یک پایگاه برای تبلیغ و گسترش اندیشه‌های اخوانی در منطقه بسیار نگران هستند؛ بنابراین هر توافقی که بین روسیه و ترکیه حاصل شود، بعید است که برای پایان‌دادن به جنگ لیبی مفید واقع شود، چراکه کشورهای دیگری چون مصر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی بخشی از این بازی بوده و هرچند نقش کم‌رنگ‌تری نسبت به کشورهای یادشده دارند؛ اما سهم آنان در ثبات و خاتمه‌درگیری‌ها و شروع فرایند صلح در لیبی شایان توجه است. علاوه‌بر آن، روسیه تلاش دارد تا با گسترش حوزه نفوذ خود در لیبی، اهرم و ابزار قدرتی علیه کشورهای غربی (اروپا و ایالات متحده آمریکا) پیدا کرده و سیاست‌های انطباقی مسکو، تابع اوضاع و شرایط موجود در حمایت و عدم حمایت از جبهه رقیب حکایت از آن دارد که این کشور تلاش دارد تا جایگاه ویژه‌ای در دولت آینده لیبی داشته باشد. از سوی دیگر ترکیه با توجه به سیاست خارجی پشت‌پرده و پنهان ایالات متحده در لیبی به نوعی از جانب آمریکا در منطقه فعالیت می‌کند که تلاش دارد تا با گسترش حوزه نفوذ خود، به نوعی چالش و تهدید حضور روسیه در این منطقه را برای غرب خنثی نماید. هم‌چنین ترکیه در منطقه مدیترانه شرقی سعی دارد تا با دسترسی به منابع نفتی و گازی، عرصه را برای اتحاد گازی شکل‌گرفته جمعی از بازیگران منطقه‌ای تنگ‌تر نماید.

در نهایت باید گفت سیاست تهاجمی ترکیه در لیبی با واقعیت سیاسی و قبلیه‌ای این کشور سازگار نبوده و از طرف دیگر، روسیه نیز با اتخاذ راهبردهای متناقض و عدم تناسب با حوزه میدانی با سردرگمی روبرو است. با این تفاسیر وضعیت داخلی متشنج با حضور شبه‌نظامیان، گروه‌های

تکفیری اعزامی، رقابت رهبران محلی و قبیله‌ای و حضور و نفوذ بازیگران خارجی، اوضاع را در لیبی پیچیده‌تر کرده و ادامه جنگ، تنش و تجزیه این کشور را محتمل و ایجاد حکومت مرکزی، صلح و ثبات را در آینده نزدیک با تردید روبرو کرده است.



## فهرست منابع

### منابع فارسی:

۱. کولایی، الهه و دیگران (۱۳۹۷)، *دگرگونی و تداوم در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه: پیش‌رانه‌ها، دستاوردها و چالش‌ها*، فصل‌نامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۱۵۲-۱۲۳.
۲. کولایی، الهه؛ نوری، علیرضا (۱۳۸۶)، *تحول در سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین، فصل‌نامه حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۳، صص ۵۵-۲۳.
۳. کولایی، الهه؛ سلطانی‌نژاد، محمد (۱۳۹۵)، *علل و انگیزه‌های عملیات نظامی روسیه در سوریه، فصل‌نامه مطالعات راهبردی*، دوره ۱۹، شماره ۷۳، صص ۱۳۶-۱۱۵.
۴. ولی‌زاده، اکبر؛ علی‌زاده، شیوا (۱۳۹۷)، *جامعه‌پذیری نخبگان پسا شوروی و هژمونی منطقه‌ای روسیه*، فصل‌نامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۴، صص ۱۸۶-۱۵۷.
۵. تحلیلی بر شرایط لیبی و نقش ترکیه در پایداری بحران؛ قابل دسترس در:
۶. <https://www.farsnews.ir>
۷. افشای رایزنی روسیه و ترکیه درباره تقسیم مدیریت نفت و گاز لیبی؛ قابل دسترس در:
۸. <https://www.isna.ir>

### منابع لاتین:

9. Akhivadov, Mokhammad. (2020), Russia's Strategy in Libya available from: <https://insamer.com>.
10. Blank, Stephen (2018), *The Foundations of Russian Policy in the Middle East*, in *Russia in the Middle East*, ed. by Theodore Karasik and Stephen Blank, Washington D.C.: The Jamestown Foundation.
11. Bloomberg News.(2017), *China Propels Global Economy Through Best Performance in Decade*, Bloomberg.
12. Bloomberg News.(2017), *China Propels Global Economy Through Best Performance in Decade*. Bloomberg.
13. Brautigam, Deborah(2019), *A critical look at Chinese debt-trap diplomacy, Area Development and Policy*, pp. 1-14.
14. Cingoli, Janiki (2016), *The New Energy Resources in the Centre- East Mediterranean: Potential Current and Future Geo-Strategic Consequences*, Rome: Istituto Affari Internazionali.
15. Güzel, Enes (2019), *Turkey and the Energy Equation of the Eastern Mediterranean*, Istanbul: TrtWorld Research Center.
16. Hacaoglu, Selcan & Firat Kuzov.(2019), *Turkish offshore gas deal with Libya upsets Mediterranean boundaries*, at: <https://www.worldoil.com>.
17. Hacaoglu, Selcan & Firat Kuzov.(2019), *Turkish offshore gas deal with Libya upsets Mediterranean boundaries*, at: <https://www.worldoil.com>.
18. Hafeznia, M. R et al (2013), *Explanation of the Structural and Functional Characteristics of Geographical Buffer Space*, *Geopolitics Quarterly*, V.8, No.4, pp. 1-40.
19. Kirill, zharov.(2020), *Can Russia and Turkey Bring Peace to Libya?*, available at <https://carnegie.ru/commentary/80779>.

20. Kirill, zharov.(2020), Can Russia and Turkey Bring Peace to Libya?, available at <https://carnegie.ru>.
21. Mammadov ,Rauf.(2020), Russia and Turkey on collision course in Libya's conflict available at: <https://english.alaraby.co.uk>.
22. Pierini, Marc.(2020), New Power Struggles in the Mediterranean, available at: <https://carnegieeuropa.eu>.
23. Ruhe, Janathan, (2020), Don't Let Turks & Russians Carve Up Libya - Breaking Defense available at: <https://breakingdefense.com>.
24. Shama, Nael M.(2019), Gas and conflict in the Eastern Mediterranean, at: <https://www.atlanticcouncil.org>.
25. Shama, Nael M.(2019), Gas and conflict in the Eastern Mediterranean, at: <https://www.atlanticcouncil.org>.
26. Stepanova, Ekaterina.(2018), Russia's Approach to the Conflict in Libya, the East-West Dimension and the Role of the OSCE. in *The Search for Stability in Libya: OSCE's Role between Internal Obstacles and External Challenges*. ed. By Andrea Dessi and Ettore Greco. Rome: Nuova Cultura.
27. Tekir, Gökhan.(2020), Russian-Turkish Involvement in the Civil War in Libya, *Turkish Journal of Russian Studies* Issue: 3, pp. 190-215.
28. Turkey, Russia mull creating joint working group for Libya available at: <https://www.hurriyetdailynews.com/2020>.
29. Turkey, Russia mull creating joint working group for Libya available at: <https://www.hurriyetdailynews.com, 2020>.
30. Turkey's Growing Role in Libya: Motives, Background and Responses Series.(2019), *Situation Assessement*, Arab Center for Research & policy Studies available at <https://www.dohainstitute.org>.
31. Yakis,Yaser.(2020), Turkey–Russia cooperation face new test over Libya, available at: <https://www.arabnews.com>.